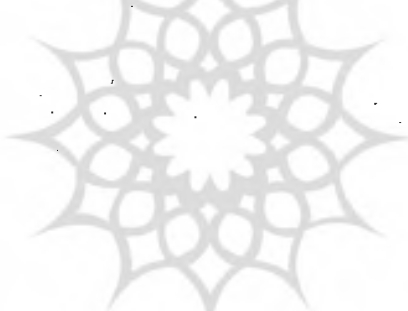


علامه قطب‌الدین شیرازی *



یکی از اعاظم علمای عالم اسلام که متأسفانه با همه جلالت قدر و عظمت‌شان و وسعت معلومات در موطن خویش ناشناس مانده و جز نزد خواص دانشمندان معروف و مشهور نیست علامه قطب‌الدین شیرازی است.

پدرش ضیاء الدین مسعود بن مصلح کازرونی یکی از پزشکان و دانشمندان زمان خویش بوده و در دارالشفای مظفری شیراز به تعلیم علوم پزشکی و طبابت اشتغال داشته است. علامه در مقدمه کتاب التحفۃ السعدیه که بعداً راجع بآن مطالبی بمرض خواهم رسانید از پدرش چنین یاد مینماید: الامام الهمام ضیاء الدین مسعود بن المصلح الكازرونی و كان باجماع اقرانه ... بقراط زمانه و جالینوس او انه

قطب‌الدین از چنین بدری در سال ۶۲۴ هجری قمری در شیراز و بروایتی در قره‌دو تنگ از توابع شهرستان کازرون پا بعرصه وجود گذاشت و در کنف حمایت و سرپرستی پدر دانشمندش بکسب دانش مشغول گردید. چهارده ساله بود که پدرش درگذشت و قطب‌الدین

* - متن سخنرانی آقای دکتر میراستاد دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی در روز سه‌شنبه

۱۶ مهرماه - تالار علم.

جوان را که در این سن بنا بنوشته خودش حدسی صائب و نظری ثاقب در تشخیص بیماری و تعدیل علاج و تبدیل مزاج داشت بجای پدر بعنوان طبیب و کحال در بیمارستان مظفری شیراز برگزیدند.

علامه در مقدمه کتاب تحفة السعدیه مینویسد: چون سنین عمرم بچهارده رسید والدیم وفات یافت ، مدت دهسال در بیمارستان مظفری شیراز مشغول معالجه مرضی گشتم ، پس شوقی در خود یافتم تا بر آنچه دارم بیافزایم و چون دیگر کسان باندک قناعت نکنم .

بدین ترتیب آتش شوق تحصیل دانش در دل وی شعله ور میگردد بدو در شیراز بادامه تحصیل می پردازد در مقدمه شرح بر قانون مینویسد: فشرعت فی کلیات القانون عند عمی سلطان الحکماء و مقتدی الفضلاء کمال الدین ابی الخیر بن المصلح الکاظمی ثم علی الامام المحقق و الجبر المدقق شمس الملة و الدین محمد بن احمد الحکیم الکیتمی ، ثم علی علامه و قته و هوشیخ الکل فی الکل شرف الدین الزکی البوشکانی فانهم کانوا مشهورین بتدریس هذا الكتاب و تمیز قشره من اللباب و متعینین لحل مشکلاته و کشف معضلاته سقی الله ثراهم و جعل الجنة مثواهم.

بدین ترتیب تا آنجا که امکان داشته در شیراز بتکمیل علوم پزشکی می پردازد تا سرآمد اقران میگردد . در این زمان شهرت فضل و دانش خواجه نصیرالدین ، حکیم بزرگ طوس در سراسر ممالک اسلامی پیچیده و قطب الدین را مشتاق دیدار او میکنند پس در حدود سال ۶۵۸ یعنی در سن بیست و چهار سالگی علامه شیراز را ترک کرد . بروایتی بقزوین رفته بوسیله کاتبی قزوینی و با احتمال نزدیک بیقین مستقیماً بمراغه که پایتخت هلاکو و مرکز تجمع علما و فضای عصر بوده است میرود و در سلك شاگردان خواجه طوس و دیگر دانشمندان معروف قرار میگیرد علم هیأت را از خواجه نصیرالدین فرا گرفته و بهترین شاگرد و همکار خواجه در بستن زیج مراغه میگردد در ضمن از محضر دو دانشمند بزرگ آن زمان یعنی نجم الدین کاتبی قزوینی و حکیم موید الدین بن بومک بن مبارک عرضی دمشقی که هر دو از دانشمندان بزرگ و منجمین بنام بوده اند استفاد و استفاضه شایان میبرد .

در مراغه قطب الدین نبوغ خود را بزودی نشان میدهد و از سایر همکاران خویش جلو افتاده بزرگترین و مؤثرترین یار و مددکار خواجه در بستن زیج مراغه میگردد در همین جریان در ملازمت خواجه مصری بخراسان و قهستان میرود و بهر شهر که میرسد بطوریکه خودش در مقدمه شرح بر قانون متذکر گشته است از تحقیق و تحصیل باز نمیماند مخصوصاً از پزشکان نیشابور در حل مشکلات قانون استفاده برده بمراغه مراجعت مینماید .

اکثر مؤلفین راجع باختلاف بین علامه و خواجه طوسی حکایاتی نوشته اند که من هیچکدام را صحیح نمیدانم و معتقدم شخصیت علامه شیرازی بالاتر و والاتر از آنست که بتوان بوی نسبت ناسپاسی داد . مرد وارسته ای مثل قطب الدین هیچگاه چنین جسارتها و حتی

جزئی‌ترین بی‌اعتنائی نسبت بمریی و استاد خود روانمیداشته است . دلیل دیگری که بی‌اساسی این شایعات افسانه شکل را تأیید میکند اینست که علامه در مقدمه شرح بر قانون که مسلماً در اواخر عمر نوشته است هنگامیکه می‌خواهد از خواجه طوسی نام ببرد قریب بدین مضمون می‌گوید:

«پس آنگاه متوجه درگاه شهر علم و کعبه حکمت که عبارت از آستان حضرت علیة قدسیه و سده سینه زکیه فیلسوفیه مقام استادیه نصیریه قدس اله نفسه است گردیده از آنفاس قدسیه او بعضی از مشکلات را گشودم.» کسیکه چنین سپاس استاد را پس از مرگش نگاه میدارد مسلماً در موقع حیات وی ناسپاس نبوده است گفتار **محمد بن رافع السلامی** در ذیل تاریخ بغداد نیز موید این نظریه است آنجا که مینویسد: ابا قحطان هنگام

بیماری خواجه در بغداد بود و با قطب الدین شیرازی خواجه را در حال احتضار دیدن کرد بنا بر این علامه تا هنگام مرگ خواجه در تبریز اقامت داشته و روایت اینکه بعثت اختلاف فیما بین مدتی قبل از درگذشت خواجه وی را ترک کرده است روایتی دروغ بیش نیست در هر حال علامه پس از کسب استفاده از بزرگان و پزشکان خراسان بجانب عراق عجم رفته در اصفهان که در آن زمان مرکز حکومت **بهاء الدین محمد الجوینی** پسر خواجه شمس الدین صاحب دیوان بود مدتی میماند و **کتاب نه‌ایة الادراک** را بنام پسر خواجه مینویسد

پس از این صیت علم و دانش علامه در سر تمام ممالک اسلامی می‌پیچید بنا بر این هر جا که قدم مینهاده است مورد اکرام و احترام عالی و وافی بوده است **در بغداد از محمد بن السکران** بغدادی که از عرفای بزرگ بغداد بوده دیدن مینماید و از این دیدار نفعها میبرد . در **خاتمة قطب چهارم درة التاج** که یکی از شاهکارهای علامه است مینویسد **«همچنین منتفع شد مؤلف کتاب از شرف صحبت و ارشاد و هدایت و اقتباس فضائل و آداب ظاهر و باطن از خدمت شیخ ربانی محمد بن السکران البغدادی** نوراله نفسه.»

پس از بغداد بروم آمده با **مولانا جلال الدین رومی** عارف بنام ایران ملاقات مینماید قطب الدین در قونیه پایتخت روم شرقی میماند و کتاب **جامع الاصول** را بر **صدر الدین قونوی (متوفی ۶۷۳)** قرائت مینماید و از وی طریقه ارشاد علوم شریعت و طریقت و حقیقت را فرامیگیرد.

از این بیعت بعد از طرف **معین الدین پروانه حاکم روم** مدتی در سیواس بشغل قضاوت میپردازد و شاگردان چندی تربیت میکند **در سال ۶۸۱** از طرف **سلطان احمد تکودار (۶۸۱ - ۶۸۳)** بعنوان سفیر بمصر می‌رود و **ملك قلاوون الفی** سلطان مصر را ملاقات کرده سفارت خویش را ببهترین وجهی بانجام میرساند در نامه‌ای که بدین مناسبت فیما بین دولتین مبادله شده است علامه را بعنوان **اقضى القضاة** نام برده اند پس از انجام کسار سفارت بشام آمده و بچند شرح دیگر قانون دسترسی می‌یابد در حدود سال ۶ - ۶۹۴ که زمان **صدارت خواجه رشید الدین فضل اله مورخ معروف و دوره آسایش و آرامش و تشویق**

علما و فضلا بوده علامه به تبریز مراجعت نموده بقیه عمر را بگوشه گیری و تکمیل تألیفات و تصنیفات خود میگذراند و مسلم است که در این هنگام حوزه تعلیم و تدریس نیز داشته و دانش طلبان از محضر پرفیض استفاده میکرده اند سرانجام در رمضان سال ۷۱۰ بدیاری باقی میشتاید و بدین ترتیب دانشمند بزرگی که در سال ۶۲۴ از سرزمین فارس برخاسته بود پس از یک عمر ۷۶ ساله توأم با فعالیت بی نظیر علمی و کسب افتخار برای وطنش بظاهر از میان خلق رخت برمی بندد و در قبرستان معروف چرنداب تبریز در جوار قبر دوست و همشهریش قاضی بیفضادی بخاک سپرده میشود اما زندگی حقیقی اش روز بروز درخشنده تر و آثار ذقیمتش که نتیجه یک عمر فعالیت و نبوغ جسمانی بود. چون گوهرهایی گرانبها بر تارک علم و ادب دانش اسلامی برای همیشه مانده و خواهد ماند. در مرگ وی علما و بزرگان بحرایی و فارسی مرثیه ها گفته اند و بر درگذشت وی اشکها ریخته اند دو بیتی زیر ماده تاریخی است که در مرگ وی گفته اند

بازئی کرد چرخ کج رفتار در مه روزه آه از آن بازی
زال ویا رفته از گه هجرت رفت در پرده قطب شیرازی

اینک که باختصار شرح زندگانی جسمانی علامه را دانستیم اجازه میخواهم بدو راجع بسجایای اخلاقی اوستخنی چند گفته سپس بشرح آثار و تألیفاتش بپردازم

علامه مردی نیک نفس، آزادمنش و بشدت شایق عام و دانش بوده است. وی از جمله کسانیست که از بدو حیات تا آخرین روز زندگی پرافتخار خویش یکدم از کسب دانش و علم غفلت نمیکردند و دستور اطلب العلم من المهدالی اللحد را بکاملترین وجهی بکار می بندند

علامه علاوه بر علوم ظاهری بعلوم باطنی و عرفان توجه خاص داشته و از سن ده سالگی که از دست پدر خرقة تصوف میپوشد تا نزدیک اواخر عمر که به فیض دیدار **مولانا جلال الدین و شیخ صدر الدین قونوی** نائل میگردد پیوسته بقریه نفس مشغول بوده است در شیراز نیز دست ارادت به **علی بن بزغش شیرازی** (متوفی ۶۷۸) که از مشایخ مشهور تصوف است میدهد پس از ابتدای عمر در سلك عرفا درآمده و بقریه نفس و تربیت باطن مشغول بوده است ابن علی بن بزغش شیرازی همان کسی است که خواجه صفی الدین عارف بزرگ اردبیلی وجد سلاطین صفوی بقصد زیارتش از آذربایجان بشیراز آمد اما متأسفانه هنگامی شیراز رسید که شیخ درگذشته بود.

در مقدمه کتاب مفتاح المصباح علامه مینویسد: مشکلات و معضلات کتاب را در حالت خواب و بیداری به نیروی الهام کشف و حل نمودم چون این شرح را احتمالاً بین سنین ۶۹۴ - ۷۰۱ یعنی هنگامیکه در تبریز بتألیف و تصنیف و انزوا روزگار میگذرانده نوشته است بنا بر این اواخر عمر عارفی بلند قدر و صاحب نظر بوده و بوسیله اشراق مشکلات را حل و فصل میکرده است.

علامه با همه دانشی که داشته مردی خلیق و متواضع و قانع بوده حقوق دیوانی خود را که در حدود سی هزار درهم بوده است بین شاگردانش تقسیم میکرده است.

در باره ظرافت طبع وی نیز حکایاتی گفته اند اگر چه بیشتر آنها با فسانه شبیه تراست تا بحقیقت معذالك میتواند دلیل روشنی بر ظرافت طبع و شوخ مشربی علامه باشد. از جمله **امین احمد رازی در هفت اقلیم** مینویسد: آورده اند که مولانا قطب الدین باشیخ که

مقصود استاد سخن سعدی است بتماشای مسجدی که یکی از اتابکان فارس عمارت کرده و گفته اند
قضارا در آنوقت اندک گلی بر رخسار پادشاه که هنوز بعقد کسوف خط مبتلانگشته بود رسیده ،
مولانا خواند که یالیتنی کنت ترا با پادشاه پرسید چه خوانده شد شیخ جواب داد يقول الکافر
یا لیتنی کنت ترا با

همچنین در مجمعی از شیعه و سنی از وی سؤال کردند علی افضل واعلم بود یا ابوبکر
وی ر ندانه فی البدیعه این شعر را خواند

خیر الوری بعد النبی من بنته فی بیه
من فی دجی لیل العمی ضوء الهدی فی زیتة
حکایت اول بنظر من کاملاً معمول است بدلیل اینکه مسجد جامع نو که در این حکایت از
آن یاد شده است از بناهای اتابک سعدزنگی است است که در سالهای ۶۱۴ - ۶۲۱ بنا
گردید. و در آن تاریخ هنوز علامه پابمرصه وجود نگذاشته بوده است مگر آنکه تصور کنیم تا
زمان مراجعت سعدی یعنی حدود سال ۱۶۵۵ سال تالیف بوستان هنوز ساختمان مسجد با تمام
نرسیده بوده است .

اما حکایات دیگری نیز در باره شوخ طبعی وی گفته اند از مجموع این روایات و
افسانه ها این حقیقت مشهود است که وی طبعی مزاح و شوخ داشته است از طرف دیگر مردی زاهد
و متورع بوده رباب را با مهارت مینواخته و در بازی شطرنج استاد بوده است تاریخ نویسان
باتفاق نوشته اند که پیوسته نماز را بجماعت میخواند و در اعتقادات دینی بر شیوه پیرزنان بود ،
در برابر پیشوایان دینی جامع و هر گاه ویرا میستوده اند بسیار فروتنی میکردند است
قطب الدین مردی سخنور و سخنندان بوده و در ادبیات فارسی و عربی مهارت کامل داشته است
مقدمه هائیکه بر کتب تصنیفی خود نوشته است فصیح ترین و بلیغ ترین مقدمه کتب علمی است کتاب
دره التاج را که اثری فارسی است با آنکه از احادیث و آیات کلام الله است معذالك انشائی
سلیس و متین و استوار دارد.

بعلاوه هم بر بی وهم بفارسی اشعاری از او بیجا مانده که در کمال استحکام و بلاغت است
از آنجمله قطعه نیست بر بی که در جواب کسانی که هنگام انتشار کتاب مفتاح المفتاح زبان به مدح
و ثنای وی گشوده اند سروده و شامل بیست و شش بیت با مطلع زیر است
جزی الله خیراً و الجزاء مضاعف

موالی اثنوا بالذی لست اهله

محمد بن بدر جاجرمی نیز در کتاب مونس الاحرار رباعی زیر را بوی نسبت

داده است

در صحن چمن چولاله بکشود دهن
میکفت بسوز دل حدیثی به سمن
کاین پرده ز روی گل که بر خواهد داشت
باد سحر از میانه برخاست که من
صاحب ریحانة الادب نیز دو بیتی معروف زیر را که بعده دیگر از آنجمله شاه صفی

صفوی نیز نسبت داده اند از علامه شیرازی میدانند

یک چند بیاقوت تر آلوده شدیم
یک چند پی زمررد سوده شدیم
آلودگئی بود ولیکن تن را
شستیم بآب توبه و آسوده شیم
اما من مطمئنم که این دو بیتی از زبان کسی که از ده سالگی در سلك عرفا و متصوفین در

آمده است خارج نگشته است خاصه اینکه علامه مردی زاهد و متقی بوده و هیچ جاننوشته اند که شراب خوار بوده است **در مخزن الغرایب** این دو بیتى با چند شعر دیگر نیز بعلامه نسبت داده شده است .

بی تو تا کی جان من در تن بود زندگی بیدوست جان کندن بود
ای مسلمانان بگویم عشق چیست در بلا و درد خو کردن بود

اشعار بیشتری در تواریخ بنام این دانشمند بزرگ ثبت و ضبط شده است اما برای نشان دادن طبع وقاد او همین نمونه ها کافی است حال اجازه بدهید عقیده یکی از نویسندگان تاریخ علوم عصر حاضر را که قولش سندیت دارد در باره علامه بااستحضار برسانم این مؤلف عالمقام ژرژ آلفرد لئون سارتن **George Alfred Leon Sarton** بلژیکی است که استاد تاریخ علوم در دانشگاه هاروارد بوده و کتاب **[Introduction] To The History of Science** وی شهرت بین المللی یافته است وی در باره کتاب **نهاية الادراك في دراية الافلاك** که یکی از تألیفات علامه در علم هیئت و نجوم است مینویسد :
در این کتاب علامه شیرازی نه تنها از نجوم بلکه از موضوعهای دیگری از قبیل **زمینسنجی**، **هواشناسی** و **مکانیک و نورشناسی** نیز بحث نموده است این کتاب با آنکه بسیاق و روش کتاب **تذکره خواجه نصیرالدین طوسی** نوشته شده اما از آن روانتر و پخته تر است و شامل مطالب تازه ای است مثل نظریه ای که درباره **نورشناسی هندسی و کیفیت رویت اشیاء و پیدایش رنگین کمان دارد**

درباره رنگین کمان دو بار شکستن نور را در موقع عبور از کوره شفاف (قطره آب) بخوبی توجیه کرده و نظریه وی عیناً همانست که بعدها **دکارت** در باره این مسئله بیان داشته است .

علمای اسلامی چه آنهاییکه باوی معاصر بوده اند و چه کسانیکه بهدأ با بعصره وجود نهاده اند همه او را ستوده و معتقد بوده اند که علامه ذوفنونى است که در هر فن از ذی فنها برتر و بالاتر است بعلت وسعت دامنه اطلاعات او را علامه گفته اند و از این پس در کتب علمی کلمه علامه به تنهایی معرف قطب الدین شیرازی بوده است .

اینک موقع آن رسیده است که بشرح تصنیفات و تألیفات علامه بپردازم . قبلاً بذکر این نکته ناگزیرم که اگر تصانیف علامه از نظر کمیت کم است بعکس از لحاظ کیفیت بسیار پر ارزش و گرانقدر میباشد چه در هر رشته ای که بنوشتن دست یازیده اثری بوجود آورده که یکی از امهات آن علم و فن گشته است . با آنکه در تمام رشته های علم وارد بوده معذالك در فن ریاضی و طب اعلم و افضل بوده است . در مقدمه شرح بر قانون متذکر شده است که خداوند در نهادوی قوه ای نهاده است که قادر بذكر تمام علوم میباشد و مینویسد این موهبتى است که از زمان آدم علیه السلام تا کنون بکسی داده نشده است تا آنجا که تاریخ بما

میکوید دانشمند دیگری چنین ادعائی نداشته جز **بوعلی** که بزبان شعر میگوید :

از قعر گل سیاه تا اوج زحل کردم همه مشکلات گیتی راحل
بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل هر بند گشاده شد بجز بند اجل

باری گفته اند که روش تصنیف علامه در کارهای علمی چنین بوده است که روزها روزی

میکرفته و شبها بنوشتن می پرداخته . آنچه بر قلمش میگذشته دیگر حاجت بدوباره خواندن و رونویسی نداشته است .

اما تألیفات علامه :

۱- نهاية الادراك في دراية الافلاك

این کتاب را علامه قبل از سال ۶۷۸ (سال مرگ بهاءالدین) و احتمالا هنگامیکه در اصفهان بوده تألیف کرده و آنرا به بهاءالدین محمدالجوینی فرزند شمسالدین صاحب دیوان هدیه کرده است .

کتابیست عربی شامل چهارمقاله در هیئت و باجمله **حمدالله فاطر السموات فوق الارضین** و جعلها عبرة للناظرین المتوسمین شروع میشود

نسخ متعددی از این کتاب موجود است نسخه‌ئی از آن تحت شماره Add 7482 در بریتیش میوزیوم لندن موجود است که در سال ۸۷۲ در قاهره مصر کتابت شده است نسخه دیگری با تاریخ کتابت ۷۴۱ در کتابخانه خدیویه مصر و نسخه از آن نیز در کتابخانه ملی پاریس که دارای اشکالی زیبا و ۱۲۷ صفحه کتابت است در حال این کتاب از جمله کتب معتبر در ریاضیات قدیم است و عده‌ئی نیز بر آن شرح نوشته اند .

۲- التحفة الشاهیه

این کتاب هم عربی و در هیئت است نسخه کاملی از آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است که باجمله **خیر المبادی مازین بالحمد لو اهب القوة علی حمده** ، و الثناء بالصلوة علی نبیه شروع میشود

نسخه دیگری بشماره Add 7477 در موزه بریتانیا موجود است که تاریخ کتابت آن ۷۵۰ هجری است نسخه‌ئی هم در کتابخانه‌ئی ملی پاریس وجود دارد که در حیات مؤلف نوشته شده و تاریخ کتابت ۶۸۴ را داراست

این اثر را علامه بنام **تاج الاسلام امیرشاه محمد بن تاج الدین معتر بن طاهر** که از طرف **معین الدین پروانه شغل** وزارت داشته نوشته و بهمین جهت آنرا **التحفة الشاهیه** نامیده است

پس این اثر باید در حدود سال ۶۸۴ هنگامیکه علامه در سیواس بشغل قضاوت اشتغال داشته نوشته شده باشد

این کتاب هم مثل سایر تألیفات قطب الدین مورد توجه علماء بعد قرار گرفته ، سید **شریف جرجانی** بر آن حاشیه نوشته و **ملاعلی قوشجی** نیز بر آن شرحی بسبک قال اقول نوشته است

نسخه‌ئی از این شرح در کتابخانه خدیویه مصر و نسخه‌ئی هم در **دانشکده ادبیات** تهران بشماره ۸۹ موجود و مضبوط است

۳ - شرح حکمة الاشراق

مؤلف کتاب حکمة الاشراق شهاب الدین سهروردی است این شخص شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک السهروردی است که در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه سهرورد از توابع زنجان بدنیا آمده و از علما و حکماء بنام قرن ششم هجری است پس این سهروردی را نباید با شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد عارف معروف صاحب کتاب عوارف المعارف که مراد سعدی شیرازی بوده است اشتباه نمود

در هر حال علامه شرح همسوطی بر این کتاب که درباره حکمت اشراق است نوشته و آن را به جمال الدین علی بن محمد الدستجروانی که در اواخر سلطنت بایدو (سال ۶۹۴) و مختصری هم در زمان سلطنت ارغون وزارت داشته است اهدا نموده ، علامه در این کتاب عقاید سهروردی را در باب اشراق بشایسته ترین وجهی بزبان ساده بیان و توجیه کرده است

۴ - مفتاح المفتاح

کتاب مفتاح العلوم از تألیفات سراج الدین ابی یعقوب یوسف ابن ابی بکر بن محمد بن علی السکاکی متوفی ۶۲۶ است که در صرف و نحو و معانی و بیان است علامه در باره این کتاب میگوید هو الشاء فاخر و کتاب باهر و تصنیف معجز و لله در القائل:

سراج المعالی یوسف بن محمد	بمفتاحه قد حل کل معقد
واعجز بالایجاز فی سحر لفظه	فکاد به یسی النهی و کان قد
فلم یر فی کتب الاوائل مثله	و العالم تعبدقنی به فنفقد

در هر حال علامه این کتاب را شرح نموده و نام آنرا مفتاح المفتاح نهاده است علامه تصنیف این اثر را قبلا به شمس الدین محمد بن ملک الاسلام جمال الدین ابراهیم که از بزرگان فارس است وعده داده بود اما مشوق وی در تألیف کتاب خواجه همام - الدین بن الهمام است که خود از بزرگان تبریز و مردی دانشمند و شاعر بوده و بعلمت علاقه ئی که با آثار علامه داشته اغلب تصنیفات وی را بخط خوب کتابت کرده است . نسخه ئی از این شرح بقلم خواجه همام در موزه بریتانیا بشماره Add 7449 مضبوط است که نسخه ئیست بسیار نفیس کتاب با این جمله شروع میشود

الحمد لله خصص نوع الانسان بالنطق والفصاحة

در ابتدا و انتهای این نسخه اشعار زیادی در تقریظ بر کتاب و ثنای علامه اضافه شده است از آن جمله شعری است از قاضی مجد الدین اسمعیل بن یحیی قاضی معروف و مشهور قرن هفتم شیراز با مطلع زیر

هذا الكتاب الذى لله مصباح

وللميلة المسترشدين صباح

این مجد الدین همان کسی است که ابن بطوطه جهانگرد معروف آندلسی در کتاب خود دوجا با تکریم و تعظیم از وی نام میبرد و ما میدانیم که وی مردی بزرگ و دانشمند و زاهدی

باتقوی و پرهیزگار بوده است و بازاین قاضی همانکسی است که حافظ در قطعه‌ی کمی بتامف
بر گذشتن دوران شاه شیخ ابواسحق سروده از وی به نیکی نام میبرد آنجا که میگوید
بعهد سلطنت شاه شیخ ابواسحق
نخست پادشهی همچو او ولایت بخش
دگر مریدی اسلام شیخ مجد الدین
و همچنین در برنایش میگوید

که زدی کلک زبان آورش از شرع نطق
که برون رفت از این خانه بی نظم و نسق
سال تاریخ وفاتش طلب از رحمت حق،

۷۵۶

مجددین سرور و سلطان قضات اسمعیل
ناف هفته بدو از ماه رجب کاف و الف
کنف رحمت حق منزل او دان وانکه

جزاین قاضی بزرگان دیگری نیز بر این کتاب تقریظ نوشته‌اند که از آن جمله‌اند
خواجه همام - قاضی نجم الدین شیرازی - بند و شاه بن سنجر بن عبدالله
الصاحبی مؤلف کتاب تجارب السلف - ادیب فضل اله ابن عبدالله شیرازی مؤلف
کتاب تاریخ و صاف و صدر الدین علی بن المصلح السمعانی که همه در زمان خویش از
دانشمندان بنام ایران بوده‌اند

این کتاب را علامه در اواخر حیات و هنگام انزوای خویش نوشته و در مقدمه متذکر
شده که مطالب مشکله کتاب را بقوه الهام کشف نموده است تنظیم و تکریمی که بزرگان زمان در
موقع تألیف و انتشار این اثر نسبت به علامه ابراز نموده‌اند میتواند دلیل روشنی بر عظمت مقام
این دانشمند شیرازی باشد
در حال این کتاب بزرگی که در حدود سی و دو هزار بیت کتابت دارد از زمان تألیف تا
کنون مورد استفاده دانشمندان بوده و هست

۵ - کتاب درة التاج لقرّة الدباج

این کتاب مجموعه‌ی دائرة المعارف مانند است که در آن از دوازده علم مختلف سخن
بمیان آمده است بهمین جهت در میان طلاب علوم قدیمه بانبان ملاقطب معروف شده است
چون علامه کتاب را بنام امیر دباج یکی از فرمانفرمایان گیلان تألیف کرده آنرا درة -
التاج لقرّة الدباج نام نهاده است
قسمتی از این کتاب را استاد بزرگوار آقای مشکوة در سال ۱۳۲۰ در دو جلد تصحیح و
چاپ نموده و در توصیف آن گفته است

« کتاب درة التاج علامه شیرازی یکی از گنجینه‌های علمی گرانبهای
زبان فارسی است و اگر چه در هریک از فنون علم کتاب و رسائلی بزبان فارسی

نوشته شده لیکن يك كتاب جامع مشتمل بر همه فنون متداوله علم از معقول و منقول با این بسط و تحقیق تألیف نشده است»

این کتاب نخستین دائرة المعارف است که بزبان پارسی در علوم متداوله قدیم نوشته شده است.

۶ - التحفة السعدیه

این کتاب که شرحی است بر کلیات قانون بوعلی مهمترین اثر علامه شیرازی است قطب الدین از بدو جوانی در فکر تألیف این اثر بوده و تا آخرین سال حیات برای تکمیل آن فعالیت میکرد. نسخه‌ئی از این کتاب در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است. کتابیست با قطع بزرگ در حدود ۵۸۶ ورق و نزدیک یکصد و پنجاه و یک هزار بیت کتابت. بطوریکه ضمن بیان شرح حال وی باستحضار رسید علامه رنج مسافرت‌های بیشماری برای رفع اشکالات موجود در قانون بر خویشان هموار نموده هر جا طبیب مطلعی سراغ کرده از وی دیدن نموده و تمام کتب طبی و شروحي که این کتاب قبل از وی نوشته بودند دیده است چون هیچکدام از آنها را کافی و وافی ندیده بنوشتن این اثر عظیم دست یازیده است چون نخستین نسخه این کتاب برادر زمان سلطنت غازان (۶۹۴-۷۰۳) و وزارت سعدالدین محمد ساوجی (متوفی ۷۱۱) انتشار داده آنرا التحفة السعدیه نام داده است اما تاریخ تألیف کتاب در نسخه‌ئی که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است شهر رجب سنه ۷۱۰ ذکر شده چون علامه در رمضان همین سال در گذشته است بنا بر این تا دوسه ماه قبل از مرگش بتکمیل این اثر پردازش مشغول بوده است.

شارحینی که پس از علامه دست بتألیف کتب طبی زده اند همه با اهمیت این کتاب معترف بوده اند معذالك باید گفته شود که این شرح فاقد قسمت تشریح کلیات بوده و بدینجهت ناقص است از این کتاب نسخ متعددی چه در ایران و چه در کتابخانه‌های خارج موجود است خوشبختانه دو نسخه از آن در تملك اینجانب میباشد

با آنکه عده زیادی بر قانون بوعلی شرح نوشته اند اما میان این شرح تنها دو اثر اهمیت یافته و مرجع دانشمندان بعد قرار گرفته است یکی شرح علامه دیگر شرح علاء الدین ابوالحسن بن ابی الحزم ابن النفیس القرشی متوفی ۶۸۷ که خوشبختانه نسخی از این شرح دوم نیز موجود، و يك نسخه کامل آن در ملکیت اینجانب است

۷ - شرح مختصر الاصول ابن صاحب

مختصر الاصول یکی از تألیفات ابن صاحب جمال الدین ابو عمر و عثمان نحوی مشهور (۵۷۵ - ۶۴۶) است علامه نخستین کسی است که بر این کتاب شرح نوشته است

۸ - فتح المنان فی تفسیر القرآن

این کتاب که به تفسیر علامی معروف است شامل چهل مجلد است و يك نسخه از آن در

کتابخانه خدیوی مصر (جلداول صفحه ۱۸۶ فهرست کتب عربی) موجود است.

۹ - حاشیه بر کتاب کشف زمخشری . (زمخشر از توابع خوارزم)
الكشاف عن حقایق التنزیل تألیف ابی القاسم حاراله محمود بن عمر الزمخشری
الخوارزمی است (متوفی ۵۲۸) حاشیه‌ئی که علامه بر این کتاب نوشته است دو مجلد است که
شیخ بهاء الدین عاملی آنرا دیده و از آن استفاده کرده است

۱۰ - رساله فی بیان الحاجة الی الطب و آداب الاطباء و وصایاهم
این رساله که در فهرست کتب خطی کتابخانه خدیویه مصر از آن نامبرده شده است شامل
سه فصل میباشد

۱۱ - حاشیه بر کتاب حکمة العین کاتبی قزوینی
بطوریکه پیش از این بیان گردید نجم الدین دبیران کاتبی قزوینی از اعضاء
مؤثر رصدایلیخانی و از استادان علامه شیرازی است بنابراین قطب الدین بر کتاب استاد خود
حاشیه نوشته و در آن عقاید خویش را ابراز نموده است
شمس الدین محمد بن مبارک شاه النجاری الهروی کتاب حکمة العین را شرح
کرده و تمام حاشیه علامه را بواسطه اهمیت آن در شرح خویش آورده است
این شرح و حاشیه بچاپ رسیده و جزو کتب درسی طالبان علوم قدیمه بود. و هست

۱۲ - اختیارات مظفری
کتابی است فارسی در هیئت که علامه بنام مظفر الدین بولوق ارسلان چوبانی
نوشته ، این کتاب خلاصه از نهایة الادراک است و چنین شروع میشود
سپاس و ستایش بیقیاس و مدح بی حد و عدلایق حضرت عزت صانعی
باشد که حقه این شقه مینارا به درر غرر کواکب ثواقب و جواهر زواهر
سیارات و ثوابت مرصع گردانید.

نسخی از این کتاب در کتابخانه‌های استانبول ولنینگراده موجود است

۱۳ - مقدمه‌ئی بر شرح تذکره نصیری
مؤلف شرح بر تذکره محمد بن علی بن الحسین الجمادی است
نسخه‌ئی از این کتاب که در سال ۸۲۶ کتابت شده در موزه بریتانیا بشماره Add 7481
دیده‌ام که دارای ۲۱۳ صفحه است

این کتاب پاسخ چهل و چهار پرسش و شبهه فلسفی است
نسخه‌ئی از آن که در سال ۹۰۸ کتابت شده در کتابخانه آستان قدس رضوی مضبوط است

۱۵ - ترجمه تحریر اصول اقلیدس
تحریر اصول اقلیدس از تألیفات خواجه طوسی است احتمالاً علامه درموقع تحصیل آنرا
بفارسی ترجمه کرده است نسخه‌ئی از آن بشماره ۷۹۶ در کتابخانه ینی جامع استانبول مضبوط
است . کتاب چنین شروع میشود
تاعنایت ربانی حجاب انتظار از پیش چهره مراد این سواد برداشت و

ادراك سعادت مجاورت خدمت بارفعت ...»

بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید افتتاح کتاب را بمدح استاد خویش شروع نموده‌است و اینهم یکی دیگر از دلائلی که بر رد اختلاف علامه و خواجه نصیر قبالا باستحضارتان رساندم

۱۶ - کتاب فعلت فلاتلم

کردی پس ملامت مکن

این کتاب را که در هیئت است علامه در سال ۷۰۴ هجری هنگام اعتکاف خویش در تبریز در شرح بیان مقاصد التذکره تألیف محمد بن علی بن حسین جمادی نوشته است نسخی از این کتاب نیز در استانبول و موزه بریتانیا موجود است

سوتر رساله‌ئی بنام خلاصه‌ئی از المجسطی جابر بن افلاج را که نسخه‌اش در اکسفورد موجود است و Karl Brokolnow (۱۸۶۸-۱۹۵۶) مستشرق آلمانی و مؤلف کتاب تاریخ ملل و دول اسلامی کتاب التبصره فی المبهة را که نسخه از آن در کتابخانه نور عثمانیه در استانبول موجود است از علامه میدانند این بود خلاصه‌ئی که من میخوانستم برای شناسائی علامه شیرازی بعرض برسانم اگر موجب صداع شده‌ام پوزش طلبیده امید بخشش دارم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ماخذ

- ۱ - آثار عجم فرصت الدوله شیرازی
- ۲ - احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی - بقلم مدرس رضوی انتشارات دانشگاه تهران
شماره ۲۸۲
- ۳ - الدر - الیکامنه
- ۴ - الذریعه - الی تصانیف الشیبه
- ۵ - پزشکان نامی پارس - بقلم دکتر میراقتشارت دانشگاه پهلوی
- ۶ - تاریخ و صاف الحضرة
- ۷ - تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی
- ۸ - تذکرة هفت اقلیم
- ۹ - جامع التواریخ رشیدی
- ۱۰ - حاشیه شدالازار چاپ تهران موشح علامه قزوینی
- ۱۱ - حبیب السیر (جلد سوم)
- ۱۲ - درة التاج لقررة الدباج بتصحیح آقای مشکوة
- ۱۳ - ذیل تاریخ علمای بغداد تألیف محمد بن وافع السلامی
- ۱۴ - رساله تحقیقی مولانا جلال الدین محمد مولوی بقلم بدیع الزمان فروزانفر
- ۱۵ - روضات الجنان
- ۱۶ - روضات الجنات طبع ایران - جلد سوم
- ۱۷ - روضة الصفا جلد پنجم
- ۱۸ - سالنامه کشور ایران ۱۳۳۴ - مقاله رصدخانه - بقلم طاهری شهاب
- ۱۹ - سلم السموات تألیف حکیم ابوالقاسم بن ابوحامد بن نصر البیان بلیانی انصاری کازرونی
- ۲۰ - شدالازار
- ۲۱ - شیرازنامه زرکوب شیرازی
- ۲۲ - طرایق الحقایق حاج نایب الصدر جلد سوم
- ۲۳ - فارسنامه ناصری

- ٢٤- فوات الوفيات
- ٢٥- فيه ما فيه مولانا (افلاكي)
- ٢٦- قصص العلماء تأليف محمد بن سليمان تنكابني
- ٢٧- كشف الظنون ملا كاتب حلبي
- ٢٨- گاهنامه سيد جلال الدين طهراني ١٣١٠
- ٢٩- لغت نامه دهخدا
- ٣٠- مجالس المؤمنين قاضي نوراله شوشتری
- ٣١- مجمع الاداب ابن الفوطي
- ٣٢- مخزن الغرائب
- ٣٣- مختصر الدول ابن العربي - چاپ بيروت
- ٣٤- معجم الادباء الاطباء تأليف محمد الجليلي - جلد دوم
- ٣٥- مقدمة تحفة السعديه - نسخه خطي كتابخانه دكتر مير
- ٣٦- مقدمة كتاب درة التاج بقلم آقاي مشكوة ١٣٢٠
- ٣٧- مقدمة ابن خلدون
- ٣٨- مونس الاحرار تأليف محمد بن بدر جاجرمي
- ٣٩- نفحات الانس جامي
- ٤٠- دداية الاحباب وفوائد الرضويه في احوال علماء المذهب الجعفريه
- ٤١- هداية العارفين - اسماعيل پاشاي بغدادی - چاپ استانبول

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی